

افسانه قمار باز

مقاله ای در سایت سرمایه نقل شده بود به نام افسانه قمار باز که در آرشیو داشتم و برای دوستانی که مایل به خواندن هستند در اینجا نقل میکنم. خواندنش خالی از لطف نیست.

شاید بسیاری از دوستان حوصله نکنند مقاله بلومبرگ که در صفحه پیش معرفی شده بود را در زبان انگلیسی مطالعه کنند. چون برای خودم خیلی جالب بود گفتم شاید برای دوستان هم جالب باشه آ از این رو با اندکی تلخیص آنرا ترجمه کردم:

بلومبرگ - "براندون آدامز" استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه هاروارد که درس اقتصاد رفتاری ارائه می دهد می گوید: جمعی از بهترین کاندیداها برای استخدام به عنوان تریدر در وال استریت از بین بازیکنان حرفه ای سایت FullTiltPoker.com و سایر سایت های مشابه قمار آنلاین انتخاب می کردند.

"براندون آدامز" سی ساله که خودش هم در این سایت بازی میکند در یک مصاحبه تلفنی شرکت کرده بود می افزاید: "این افراد در شرایط سختی که ۹۵ درصد افراد آن پول خود را می بازند از بین نجات یافتگان انتخاب می گردند، هر کسی که آنقدر باهوش باشد و آنقدر دیسیپلین داشته باشد که در این شرایط سخت قمار برنده باشد بدون شک در ترید بسیار خوب عمل خواهد کرد"

تعداد فزاینده ای از هدج فاند ها و بروکرهای جهان پوکر حرفه ای را زیر نظر گرفته اند تا از این میان استعداد ها و ابزار تحلیلی را بیابند و شرکت های زیادی به کارمندان خود پوکر را آموزش میدهند تا تفکر استراتژیک را در آنها نهادینه کنند.

"آرون براون" که سابقا پوکر باز حرفه ای بوده است ولی اکنون به عنوان ریسک منیجر در شرکت AQR Capital Management LLC که نظارت ۲۳ میلیارد دلار سرمایه را به عهده دارد میگوید: "کسی که به عنوان بازیکن پوکر چندین سال خرج زندگی خود را تامین کرده است و زندگی خوبی داشته است خیلی بیشتر از بقیه افراد می تواند در ترید موفق باشد" مهارت ها:

مهارت هایی که تریدر خوب را می سازد عبارتند از: برخورد منطقی با ریسک، قدرت تصمیم گیری سریع تحت شرایط بحرانی و فشار، دیسیپلین و یک حافظه آموزش دیده و قوی.

بعد از اینکه مسابقات جهانی پوکر چهار ماه پیش در لاس وگاس شروع شد یک شرکت بزرگ هدج فاند درخواست کرد تعدادی از بازیکنان پوکر آنلاین را که اصلا تجربه بازارهای مالی و ترید را نداشتند استخدام کند.

در گذشته بیشتر کمپانی ها به دنبال استخدام برندگان جوایز المپیاد های فیزیک و ریاضی بودند ولی هم اکنون درخواست ها در مورد بازیکنان موفق پوکر است.

نهاد های وال استریت توجه فزاینده ای را از سال ۲۰۰۳ تا کنون معطوف به بازیکنان پوکر به عنوان بهترین کاندیداها برای فرصت های شغلی کرده اند.

"آدامز" استادی که در دانشگاه های هاروارد، کمبریج و ماساچوست تدریس می کند می گوید بازیکنان با دیسیپلین پوکر در سایت های Full Tilt و PokerStars.com یافته می شوند. اعتماد به نفس این بازیکنان در دنیای ترید که سودهای بزرگ امکان پذیر است بسیار به درد می خورد. در پوکر بازیکن روی صندلی لم نمیدهد تا شانس به سراغش بیاید، بلکه باید هر لحظه در لبه پرتگاه نابودی گام بردارد و آنها یاد گرفته اند که چگونه در این راه موفق شوند.

یکی از مدیران کمپانی Susquehanna می گوید این شرکت از سال ۱۹۸۷ که تاسیس شده است همواره از پوکر برای آموزش تریدرهای خودش استفاده کرده است.

دوستان دوران کالج

بنیانگذاران کمیانی سابقا به عنوان دوستان همکلاسی با همدیگر این بازی را در زمانی که در دانشگاه ایالتی نیویورک تحصیل میکردند بازی میکردند. کمیانی Susquehanna تورنمنت های پوکر بین تریدرها برگزار میکند تا مهارت ها و قدرت تصمیم گیری آنها را زیر نظر بگیرد.

یکی از کسانی که پوکر را بر ترید ترجیح داد Joe Cada است که به طور حرفه ای پوکر بازی میکند. او برنده جایزه ۸ میلیون دلاری در بین بیش از ۶۰۰۰ شرکت کننده شد. Joe Cada, که اکنون ۲۲ ساله است میگوید پدر و مادرش همیشه اصرار داشتند که من وارد کارهای بانکی یا کارگزاری بورس شوم چرا که در ریاضیات و منطق بسیار قوی بودم. ولی من می خواهم به عنوان یک بازیکن پوکر باقی بمانم.

AQR's Brown نویسنده کتاب "The Poker Face of Wall Street" که در تمام عمرش بازیکن پوکر بوده است سالها پیش بعد از دو سال که به صورت حرفه ای به پوکر پرداخت، آنرا کنار گذاشت و فقط به صورت آماتور آن را ادامه داد، او می گوید: "سر انجام به این نتیجه رسیدم که ترید آسانتر از پوکر است"

اکثر قمار بازها قواعد بازی رو بلدند ولی قواعد بردن رو بلد نیستند به خاطر همین صاحبان کازینو(بروکر) هر روز چاقتر میشن. کسانی هم که یاد گرفتند بردن رو در صدشون خیلی کمه حتی کمتر از معامله گرهای موفق یکی از دلایل اصلی باخت چه در کازینو و چه در فارکس محدود بودن سرمایه ما و زیاد بودن سرمایه طرف مقابله و به سرمایه کم آگه طمع هم اضافه بشه باخت ما و برد طرف تضمینه دیر و زود داره سوخت و ساز نداره.

در ضمن بگم پوکر بازان قهار هیچوقت با کازینو بازی نمیکند بلکه با پوکر بازان دیگه بازی میکنند تا زورشون به سرمایه اونها برای کار های روانی بازی برسه.

اینکه معامله با لوریج مثل قماره و بالاخص مثل پوکره شك نکنید اصلا برادر دو قلو هستند ولی حرف اون پوکر بازی که در مقاله آقای شاهرودی گفته ترید راحتتر از قماره هم کاملا قبول دارم اینجا دستت خیلی باز تر از پوکره

با اطلاعاتی که به دستت میرسه آگه خوب انالیز بشن دست طرف رو تا حدی میشه خوند و با درصد اطمینانی که به انالیزت میدی باید با حجم معاملت بازی کنی عین پوکر آگه کارتات(انالیزت) فول هاوسه وقتشه درست حسابی بازی کنی و آگه کاره داری خسیس بازی رو بزاری کنار آگه انالیزت نیم بنده حتی ریسک بک درصد سرمایه هم حماقته.

چاره چیست ؟

در پوکر تجربه دراز مدت بنده صبر صبر صبر و با يك کامپینیشن مناسب حمله

کسایي که با هر کارتي میخوانند بازی کنند محکوم به فنا هستند

کسایي که میخوانند به بازیکنان قهار بلف بزنند محکوم به فنا هستند

کسایي که به سرمایه کم میخوانند سر میز قدران بشینند و اونها رو لخت کنند کارشون به خوابیدن توي جوب ختم میشه.

خستگی تو بازی افت پوکره هر چي بردي آگه خسته بشي میبازی

آگه با کارت خوب کم ببری بلاخره پولاتو میبازی

آگه بیشترین بردت کمتر از بیشترین باختت باشه حتی آگه تعداد بردات بیشتر باشه در دراز مدت بازندهای(امارهای استیتمنت خیلی مهمند)

آگه رو باختی کنار بکش بزار بهت بگند کم آوردی یا ترسویی.

انتقام تو عالم حرفه ایها يك احساس احمقانه است آگه باختی باید مثل يك جنتمن بلند شی و دست بدی و خودت رو برای بازی بعد آماده کنی.

داستان نیلاج

کلمه لیلاج صرفاً در مورد قماربازی به کار می‌رود و معمولاً قماربازان ماهر و کهنه‌کار را لیلاج می‌گویند. آگاهی از ماجرای زندگی لیلاج چه از نظر ریشه تاریخی و چه از جهت عبرت آموزی جوانان ناپخته خالی از سود و فایده نیست. نام صحیح لیلاج به طوری که در کتب تاریخی و فرهنگها آمده است، ابوالفرج محمدبن عبدالله معروف به لجلح می‌باشد که در نزد مردم به لیلاج اشتها دارد. لیلاج در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می‌زیست و در بازیهای شطرنج و نرد و سه قاپ استاد مسلم بود.

پدرش صفة بن داهرو یا به قولی صفة بن داهر، از حکمای هند و از ندیمان خلفای بنی عباس بود که به آنان آیین جهانداری و رموز کشورداری می‌آموخت. چون حکیمی وارسته بود مال و منالی نیاندوخت و پس از مرگش جز پلاسی مستعمل و چند جلد کتاب از خود چیزی باقی نگذاشت.

لیلاج پس از مرگ پدر متکفل عائله شد ولی نه هنری داشت و نه میراثی از پدر مانده بود تا برادران و خواهران صغیر را کفالت نماید. به حکم ضرورت در همان آوان طفولیت بچه‌های همسایه را که دینار و درمی داشتند به قمار تشویق می‌کرد و از آنان می‌برد.

اتفاقاً سرهنگی در همسایگی لیلاج سکونت داشت که چون لیلاج را در قمار بازی محتاج و مستعد دید تمام فوت و فن و نیرنگهای قمار را به وی آموخت و لیلاج هوشمند و با استعداد در عنفوان جوانی به دقایق و حقه بازیهای قمار چنان دست یافت که نکته ابهام و تاریکی از نیرنگهای طاس و برگ و سقاپ بر او پوشیده نماند.

در نرد و شطرنج آنچنان استادانه بازی می‌کرد که هیچ کس را دل و جرأت آن نبود که با وی همبازی شود به قسمی که شعرای ایران نیز در ارسال مثل از مهارت و استادی او غافل نبوده اند.

من سخن راست نوشتم تو اگر راست بخوانی

جرم لجلح نباشد چون تو شطرنج ندانی (سعدی)

همچو فرزین کجر و است و رخ سیه برنطع شاه

آنکه تلقین می کند شطرنج مر لیلاج را (مولوی)

ردای شید قناعت بدوش دارم لیک

زنم به نرد طعمه تخته بر سر لیلاج (ظهوری)

لیلاج در بازی تخته نرد چون کعبتین (طاس) می‌انداخت هر چه می‌خواست می‌آمد منتها در اوایل بازی چند دور می‌باخت تا حریف تشجیع شود و از نقدینه و دارایی هر چه دارد به اصطلاح رو کند.

آن گاه چند طاس مساعد می‌ریخت و آن بیچاره را در ششدر بدبختی و افلاس دچار می‌کرد.

در بازی سه قاپ نظیر نداشت و هر کس با او بازی می‌کرد در همان دقایق اول مغلوب می‌شد. در بازی سه قاپ که آن را به هوا می‌اندازند تا در وسط سفره بنشیند سه اسب را نقش و دو خر و یک اسب را اصطلاحاً سه پلشت می‌گویند.

لیلاج همیشه نقش می‌آورد زیرا قاپها در میان انگشتانش چون مومی بودند که به شکل دلخواه بر روی سفره می‌نشستند. در بازی ورق گنجفه هزار حقه و نیرنگ بلد بود و پنجاه و دو برگ بازی را از پشت می‌شناخت. او در قیافه شناسی چنان استاد بود که از لب و دهان و اعوجاج صورت و طرز نگاه و کیفیت توپ زدن حریف تشخیص می‌داد که دست پر دارد یا توپ خالی (بلوف) می‌زند.

لیلاج با این خصوصیات در سنین جوانی از شیراز به همدان آمد و آوازه شهرتش در تمام اطراف و اکناف پیچید. قماربازان ماهر و کهنه کار همدان و سایر بلاد غرب ایران را به سوی خود جلب کرد و هر چه داشتند از کفشان ربود و آنها را به خاک سیاه نشانید. کار به جایی کشید که عده‌ی کثیری از قماربازانی که حیثیت و حتی همسران و دختران خود را در بازی قمار به لیلاج باخته بودند از فرط غصه و کدورت خودکشی کردند. دیری نگذشت که معاریف و ثروتمندان آن سامان از جمله قاضی همدان که فرزندانانش را لیلاج از راه به در برده بود کمر به قتلش بستند و او را به اتهام جنایتی در بند کردند. این زمان، مقارن با سلطنت شمس الدوله دیلمی در همدان و اصفهان بود و شیخ الرییس ابوعلی سینا در دربارش سمت وزارت داشت. لیلاج از

ابوعلی سینا استمداد کرد و متعهد شد که دیگر قمار نکند. فیلسوف شهیر ایران تنها کاری که می‌توانست بکند این بود که او را از کشته شدن نجات بخشید ولی به فرمان شمس الدوله دست چپش را به جرم تصرف مال مردم از طریق قمار که خود نوعی سرقت تلقی می‌شود قطع کردند.

لیلاج چند سالی ترک قمار کرد و با اندوخته‌ای که داشت امرار حیات می‌نمود تا اینکه سه نفر قمار باز حقه باز که از او کهنه کارتر بودند به خانه اش آمدند و با لطایف الحیل و شمش‌های طلا که همراه آورده بودند او را فریب دادند. دیدگان لیلاج از مشاهده شمش‌های طلا خیره شد و ترک و توبه را از یاد برده با آنان به بازی مشغول گردید. سه نفر قمارباز نامبرده با طاسهای تقلبی و برگهای شناخته شده و هزار دوز و کلک دیگر که لیلاج از آنها بی اطلاع بود تمام ثروت و اندوخته لیلاج و حتی لباسهایش را بردند. سپس او را بی‌هوش کرده از خانه خارج شدند. لیلاج هنگامی به خود آمد که مال و ثروت باد آورده همه بر باد رفت و سرمایه‌ای جز یک عده دشمنان سر سخت و کینه‌توز در همدان برایش باقی نمانده بود. به قول سیف اسفرتنگ:

همچو لیلاج ز بازیچه برگ

عاقبت جان بسلامت نبری

بار دیگر از ابوعلی سینا چاره جویی کرد و به دستور و دلالت او راه شیراز را در پیش گرفت و یکسر به گلخن یکی از حمامهای کهنه و قدیمی رفت و در آنجا ساکن شد. با وجود آنکه ناشناخته داخل شهر شد و سعی داشت که او را نشناسند مع هذا قماربازان شیراز از ورودش مطلع گردیدند و دسته دسته به سراغش شتافتند ولی این بار توبه لیلاج بر اثر مواظت حکیمانه شیخ الرییس ابوعلی سینا به منزله توبه نصوح بود و هیچ تحیب و تهدیدی او را از تصمیم راسخ و اراده آهنینش باز نداشت. همه را جواب کرد و به کفاره گناهان گذشته بقیه عمر را در گلخن حمام به طاعت و عبادت پرداخت.

قسمت دوم داستان مربوط به پند آموزی پسر امیر فارس هست

امیر فارس که مردی صالح و شایسته بود فرزندی داشت که بر اثر معاشرت و مجالست با افراد ناباب و فاسد الاخلاق به کلی منحرف شده بود. قماربازی می‌کرد، شراب می‌نوشید و آخر شب به محله‌های معروف و فاسد می‌رفت.

امیر فارس هر قدر فرزند را پند و نصیحت کرد سودی نبخشید و چون از ماجرا و فرجام زندگی لیلاج آگاهی یافت دست توسل و استمداد به جانب وی دراز کرد تا با تجارب تلخ و ناگواری که از این رهگذر تحصیل کرده است فرزندش را از منجلابی که در آن غوطه می‌خورد نجات بخشد. لیلاج خواهش امیر را پذیرفت و فرزندش را به محل سکونت خویش یعنی گلخن حمام دعوت کرد.

فرزند امیر دعوت لیلاج را به جان پذیرفت و به عشق و سودای قمار به جانب گلخن شتافت.

لیلاج مقدمش را گرمی شمرده مانند بعضی ناصحان و واعظان ناپخته که بدون تمهید مقدمه در نهی و نکوهش و سرزنش بر می‌آیند عمل نکرده

بلکه با ملایمت و خوشرویی به فرزند امیر فارس گفت: چه نوع قمار می‌دانی؟ جواب داد: همه نوع. لیلاج ابتدا با او به شطرنج پرداخت و با چند حرکت او را مات کرد زیرا لیلاج در بازی شطرنج به قدری استاد بود که قصیده سرای معاصر ادیب الممالک فراهانی در این مورد گفته:

از آن به نام مهلب مهلبیه بماند

چنانکه ماند ز لیلاج در جهان شطرنج

سپس تخته نرد را جلو کشید و در یک چشم بر هم زدن با گشاد بازی و طاسهای مساعد انداختن که شیوه نردبازان کهنه کار است او را در ششدر انداخت. آن گاه سه قاپ را در دست گرفت و گفت: نقش یا سه پلشت کدام را می‌خواهی تا همان را ببندازم؟

فرزند امیر گفت: نقش می‌خواهم. لیلاج گفت: من این سه قاپ را در مقابل چشمان تو از سوراخ سقف این گلخن به هوا می‌اندازم. تو برو پشت بام و آن سه را بر روی زمین ببین. امیر قبول کرد و لیلاج با سر انگشت سحارش قاپها را از سوراخ سقف به پشت بام انداخت. چون فرزند امیر فارس بر روی بام حمام رفت و قاپها را دید از فرط تعجب و حیرت دهانش باز ماند زیرا همان طوری که خواسته بود سه قاپ به صورت نقش بر روی بام گرمابه جای گرفته بود.

فرزند امیر طاقت نیاورده و پرسید: استاد لیلاج، تو که در همه نوع قمار تا این اندازه استادانه بازی می‌کنی پس چرا ثروت و اندوخته‌ای نداری و بر اثر فقر و مسکنت در گلخن حمام کهنه شیراز جای گرفته‌ای؟ لیلاج گفت: پسر جان، من همه چیز داشتم و با این بازیهای لعنتی خانواده‌های بسیاری را به خاک سیاه نشانده‌ام ولی باید بدانی عاقبت قماربازی همین است که می‌بینی. وقتی که لیلاج چیره دست پس از سالها بازی در تون حمام مسکن گزیند فرجام زندگی رقت بار تو و امثال تو که هنوز الفبای قمار را نیاموخته‌اید معلوم است که به کجا منتهی خواهد شد.

قمار برد ندارد چرا که از اول

قماربازی گفتند نی قماربری

آن گاه فرزند امیر را در نیمه‌های شب به میخانه برد و حرکات ناهنجار و الفاظ رکبک و مستهجن افراد مست و لایعقل را که مانند دیوانگان سر از پا نشناخته به جان یکدیگر افتاده بودند از نظرش گذرانید.

بامدادان که هنوز هوا گرگ و میش نشده بود او را به یکی از معروفه خانه‌ها راهنمایی کرد و قیافه‌های کریه و بدمنظر و چشمان قی کرده فواحش را که اوایل شب به زور وسایل آرایش و به مصداق شب گریه سمور می‌نماید خویشتن را حور بهشتی و لعبت طنز جلوه می‌دهند به فرزند امیر نشان داد و فرزند امیر از دیدن آن صحنه‌های موحش و مهوع چنان مضمّنز و ناراحت شد که از فرط ناراحتی و پشیمانی اشک از دیدگانش جاری گردید.

لیلاج چون مقصود خویش را به هدف اجابت مقرون دید سر بر داشت و گفت: فرزندم، این صحنه‌های جان دار را از آن جهت در مقابل دیدگانت مجسم کردم تا بدانی که در چه ورطه هولناکی دست و پا می‌زنی و تمنیّات و خواهشهای نفس را با چه سموم جانگزایی برآورده می‌کنی. افراد عاقل و اندیشمند هرگز در چنین محلی و چنین راههایی گام بر نمی‌دارند و خواهش نفس را جز در طریق تفریحات سالم و درک لذات معنوی ارضا نمی‌کنند. تا زود است برگرد و راه عاقلان را در پیش گیر، و گرنه بعید نیست به سرنوشت من دچار شوی و به این روز افتی که می‌بینی.

فرزند امیر که این کلمات آموزنده چون پتکی بر مغز و اعصابش فرود می‌آمد در مقابل لیلاج رنج دیده گلخن نشین متعهد گردید که دیگر گرد این امور نگردد و برای امیر فارس فرزندی صالح و شایسته باشد.

از توضیحات فوق الذکر میشه چنین نتیجه گرفت که :

در فارکس باید خیلی زیاد صبر کنی تا جای خوب برای ورود پیدا کنی.

اگر هر جای چارت که دلت بخواد وارد شوی محکوم به فناپی .

تصور حرکت بعدی چارت نباید به ایمان تبدیل بشه .

با سرمایه کم و توقع زیاد محکوم به شکستی .

خستگی تو ترید باعث افت تمرکز و گرفتن پوزیشنهای اشتباه میشه و در آخر منجر به از دست دادن تمام سودهای اندوخته میشه

اکه سوده یک موج رو کامل نگیری یا وقتی پوزیشنی گرفتی و حرکت به نفع تو هست کمال استفاده رو نکنی در آخر بازی کم میاری .

توی هیستوری باید بزرگترین مثبت هات از بزرگترین منفی هات بیشتر باشه .

اگه دیدی توی مود نیستی ترید نکن چون ضرر میکنی .

وقتی باختی باید به راحتی از پای چارت بلند شی اگر نه بقیه پولتو هم میبازی .

بباید مسئله موفقیت در فارکس را از آخر نگاه کنیم :

- اولاً بدون تعارف و رک خدمتتون عرض کنم که تریدرهای خرده پا و منفرد با روشهای تکنیکال و فاندامنتال در این بازار با اسپرید و لوریج محکوم به فنا هستند . در این مورد بعداً بیشتر توضیح خواهم داد .

- ثانیاً این اصل را به خاطر بسپارید که تمام حسابهای فارکس وقتی زمان به بینهایت میل کند به صفر میل میکنند ، یعنی تمام حسابها در نهایت صفر (کال) می شوند .

- ثالثاً کسانی که در این بازار سود میکنند جزو این چند دسته هستند :

۱- مدیران سایت های خبری و فرومها از طریق فروش تبلیغات

۲- آموزش دهنده های فارکس که معمولاً روزی خودشان تریدر بوده اند و در حال حاضر یا ترید نمیکنند و یا با سود خود از آموزش تریدهای کوچکی انجام می دهند

۳- عروسک های خیمه شب بازی تحلیلگر بازار در شبکه ها و سایتهای معروف (مثلاً کتی لین)

۴- مدیران سرمایه که روی سرمایه دیگران ریسک میکنند

۵- سیگنال فروش ها

۶- مارکت میکرها و بروکرها

۷- هج فاند ها و کمپانی های بزرگ که با تعداد زیادی تریدر به معامله در بازارها می پردازند و به نوعی مدیریت ریسک را روی اشخاص پیاده میکنند نه پوزیشنها

۸- آی بی ها

۹- تریدرهای هج کننده سر اخبار یا پیپ هانتر یا روش های دیگری که اکثر بروکرها ممنوع کرده اند و معمولاً این تریدرها آواره از این بروکر به آن بروکر هستند و معمولاً با بروکرهای تازه کار ترید میکنند .

دو سال پیش بود که با توجه به این مسایل به این نتیجه رسیدم که ترید را بهتر است به طور غیر مستقیم انجام داد ، یعنی روی انسانها ترید کرد . آن موقع تاپیکی ایجاد کردم به نام "راه حل نهایی موفقیت در فارکس" که هدفش الگو گرفتن از بروکرها و ترید روی بازنده ها و پخش کردن ریسک روی انسانها به عنوان پوزیشن بود ، یعنی کال شدن حساب هر تریدری برای ما به عنوان یک پوزیشن بود و می شد مدیریت ریسک را روی تریدرها پیاده کرد نه روی پوزیشنها . که هدف اصلی آن که نیاز به همکاری و امکانات داشت ناکام ماند . از آنجا اسم تاپیک را عوض کردیم به "تحلیل انتظارات معامله گران " .

منظورم از تعریف کردن این داستان این است که راه های زیادی برای الگو گیری از بازنده ها و برنده های این بازار وجود دارد . الگو گرفتن از بازنده ها لزوماً باعث این نمیشد که ما بازنده باشیم . همینطور آنجا که عرض کردم آی بی گری نگاه یک تریدر به بازار و سیستمهای معامله را تکمیل میکند ، می توان آی بی نبود ولی از نگاه آی بی الگو گرفت .

فقط کافی است به هر مسئله ای که می رسید ابتدا تقلب کنید و پاسخ مسئله را نگاه کنید و از این طریق به روش حل مساله دست یابید .

به عنوان مثال :

چند مورد از ویژگی های عمومی یک آی بی (به غیر از موارد استثنای این است :

۱- معمولاً ترید نمیکنند (ترید نکردن خودش به عنوان یکی از استراتژی های سود ده به شمار می آید)

۲- معمولاً در سایت هایشان بهترین تحلیلهای تکنیکال و فاندامنتال را ارائه می دهند ! (این موضوع را هم در آینده توضیح میدهم که برای ضرر زدن به توده های تریدرها لازم نیست که به آنها تحلیل اشتباه یا آماتور ارائه دهید ، حتی با انتشار بهترین تحلیلهای تکنیکال و فاندامنتال توسط حرفه ای های بازار می توانید از ضرر اکثریت حتی به میزان بیشتر از زمان عدم وجود تحلیل ، مطمئن باشید)

۳- آموزش فارکس میدهند حتی به صورت مجانی

۴- معمولاً از ضرر تریدر ها باطنا راضی هستند . بروکر، آی بی هایی که تراز مشتریانشان مثبت باشد را معمولاً تحمل نمیکنند . هرچه ضرر مشتریان یک آی بی بیشتر باشد او در نزد بروکر ارج و قرب بیشتری دارد.

۵- اسکالپ را تقبیح میکنند و هر موقع که شما در مورد افزایش اسپرید از آنها سوال کنید میگویند که سود دهی تریدرهای حرفه ای به اسپرید بستگی ندارد و شما را تشویق میکنند که اصولیترید کنید . (در مورد اصولی ترید کردن از نظر آی بی ها ، بروکرها و عوامل آنها مطالب زیادی دارم که به تدریج ارایه خواهم کرد) و یک مثال میزنند از تریدری خیالی که نزد آنها با لات بالا ترید میکند و ماهانه ۲۰۰ هزار دلار برداشت دارد و اسکالپ نمیکند و

خب به این موارد می توانید سایر ویژگی های یک آی بی را اضافه کنید .

همینطور صورت مسئله را می توان در مورد بروکر در نظر گرفت و حل مساله را از آخر به اول انجام داد .

از دوستانی که می خواهند در مبحث افسانه قمارباز شرکت داشته باشند دعوت میکنم نسبت به مواردی که مطرح شد نظراتشان را بیان کنند . و بگویند که اگر مسئله موفقیت در فارکس را حل شده فرض کنند و از آخر به اول آنرا بررسی کنند به چه نتایجی می رسند .

مطلب زیر حاصل ترجمه و خلاصه سازی ۵مقاله است که برای ادامه مطلب انتخاب کرده ام .

مطلب زیر حاصل ترجمه و خلاصه سازی ۵مقاله است که برای ادامه مطلب انتخاب کرده ام .

=====

Joel Greenberg در سن ۱۰ سالگی شروع به قمار بازی کرد . روی میز آشپزخانه زیر نظر چشمان آینده نگر مادر بزرگش پوکر را آموخت و ساعت ها به بازی می پرداخت . مبلغ قمار بسیار پایین بود : در حد چند پنی .

بعد ها در دوران دانشگاه ، پوکر جزو یکی از ارکان زندگی او و سه نفر از رفقاییش شد . این دوستان دانشگاهی بعد ها موسس کمپانی SIG (مخفف Susquehanna International Group) یکی از غولهای بازارساز و لیکوییتی پروایدرهای دنیا در فیلادلفیا شدند .

SIG دوران رشد را به سرعت طی کرد به طوری که در ۶ دفتر خود در آمریکا بیش از ۱۵۰۰ کارمند دارد و شعباتی نیز در دوبلین ، چین ، هنگ کنگ و سیدنی راه اندازی کرده است.

در سالهای اخیر در بسیاری از کمپانی های وال استریت پوکر نقش مهمی یافته است ولی حکایت SIG خیلی فرق دارد ، در اینجا ، پوکر رکن اصلی و پایه ای شرکت است .

تریدرها یک روز کامل در هفته روی درک مفاهیم و استراتژی های پوکر کار میکنند .

مدیر برنامه های SIG می گوید : " تمام تلاش ما بر این است که به تریدرها آموزش بدهیم که چگونه در شرایط عدم قطعیت ، به درستی تصمیم گیری کنند "

SIG اخیرا تورنمنت پوکر در شعبه دوبلین خود برگزار کرده است تا از طریق آن به استخدام کادر تریدرهای شعبه اروپای خود بپردازد .

Jeff Yass مرد شماره یک SIG و یکی از میلیاردرهای بزرگ دنیا ، ثروت بیکران خود را از راه الهام گیری از پوکر در بازارهای مالی به دست آورده است . او یکی از دوستان دوران دانشگاهی ذکر شده در سطور بالا بود که با کمک دوستان خود امپراتوری SIG را بنا نهاد . او پس از مطرح کردن ایده استفاده از پوکر در دنیای ترید در بازارهای مالی ، به لاس وگاس رفت و برای مدتی به بازی حرفه ای پوکر در کازینو ها پرداخت ، پس از آن بود که SIG متولد شد .

گفته می شود نبوغ Jeff Yass به علت تصمیم گیریهای پی دی پی درست او در شرایط هیجانی و بحرانی بوده است ، شرایطی مشابه در ترید و پوکر .

Jeff Yass و شریکهایش از دوران دانشگاه به خوبی راه استفاده از استراتژی های پوکر را برای مهارت در مقابله با احتمالات ، تئوری بازی (game theory) و مدیریت ریسک یافته بودند .

Jeff Yass ترید در بازارهای آپشن را نزدیکترین بازار به پوکر میدانند چرا که معامله گر در این بازار باید دست بقیه بازیگران (فروشندهگان و خریداران) را بخواند . یک تریدر بازارهای آپشن باید این عملیات را به سرعت انجام دهد و در یک بازار متشنج به سرعت تصمیم گیری کند ، مهارتی که Jeff Yass به خوبی در طی سالیان پوکر بازی به خوبی آموخته بود .

یکی از دوستان نزدیک Jeff Yass در مورد او میگوید : " Jeff دوست ندارد که یک قمار باز باشد ، او ترجیح میدهد کازینو باشد."

SIG تورنمنتی مکرر پوکر با جوایز نقدی (جایزه ۷۵ هزار دلاری) برگزار میکند تا از این طریق اولاً به انتخاب تریدر برای تشکیلات خود بپردازد و ثانیاً تمرینی باشد برای تریدرها تا از این طریق قدرت تصمیم گیری آنها تقویت شود . SIG اکیدا به این جمله اعتقاد دارد که : " کسی که در پوکر بازنده باشد ، در ترید نیز بازنده خواهد بود ." آنها Bill Chen ، یکی از ستارگان جام جهانی پوکر را نیز استخدام کرده اند . Bill Chen در سال ۱۹۹۹ دکترای خود را در رشته ریاضی از دانشگاه برکلی گرفته است . او تا به حال در مسابقات پوکر بیش از ۱ میلیون دلار برنده شده است .

از آنجا که SIG پوکر و سرمایه گذاری در بازارهای مالی را بسیار شبیه به هم می داند، برگزاری دوره های آموزش پوکر برای کارکنان خود را به طور جدی پیگیری میکند .

تمرین مکرر پوکر در کمپانی و ترید در بازارهای پر استرس ، از اعضای SIG تصمیم سازانی فوق العاده ساخته است که حتی در خارج از بازارهای مالی نیز میدرخشند به عنوان مثال یکی از بنیانگذاران SIG به نام Eric Brooks برای مدتی از کمپانی خارج شد تا به بازی حرفه ای پوکر بپردازد . او در سال ۲۰۰۸ در میان گولهای لاس وگاس مقام قهرمانی مسابقات جام جهانی پوکر ۲۰۰۸ را کسب کرد و جایزه خود را به "موسسه خیریه آموزش تصمیم گیری " که به کودکان دانش تصمیم گیری صحیح را می آموزد ، بخشید .

نقل قول معروفی از Jeff Yass مدیر SIG که دکترای خود را در ریاضیات و اقتصاد از دانشگاه Binghamton گرفته است در کتاب مصاحبه با تریدرهای تاپ آمریکا می گوید :

" من در مورد ترید در بازارهای مالی، از پوکر بسیار بیشتر از کل دوران تحصیل اقتصاد در دانشگاه درس آموختم ."

(شاید اشاره به دورانی است که Jeff Yass یهودی در دوران دانشگاه از کلاسهای خود غیبت میکرد و با دوستان یهودی خود به بازی پوکر می پرداخت . این دوستان یهودی بعدها امپراطوری SIG را بنا نهادند . جالب است بدانید آنها پول چندانی برای راه اندازی این شرکت نداشتند و سرمایه اولیه این شرکت که در سال اول بیش از ۲۵ کارمند نداشت از راه برنده شدن در قمار در تابستان و تعطیلات به دست آمده بود.)

=====

از سال ۱۹۸۰ تا کنون پرطرفدارترین و تاپ ترین فرصت های شغلی آمریکا توسط وال استریت ارائه شده است و طبق روال تاریخی تنها ۳ راه برای استخدام افراد در وال استریت وجود داشته است :

۱- پارتی ۲- داشتن مدرک تحصیلی تاپ ۳- تجربه بیزنسی منحصر به فرد

ولی در حال حاضر به طور فزاینده ای این ملاک ها برای استخدام تغییر کرده است ، هم اکنون کمپانی ها به دنبال افرادی با مهارت های متفاوت از قبل میگردند : تخصص در پوکر

بر خلاف داشتن پارتی و مدارک عالی تحصیلی که به سختی کارایی شخص را در شغل مورد نظر تضمین می کنند ، مهارت در پوکر یکی از بهترین نشانه های قدرت افراد در فکر کردن و تصمیم گیری صحیح در شرایط تحت فشار می باشد .

اخیرا لس آنجلس تایمز در مقاله ای از تکاپوی شدید شرکت های وال استریت برای تعقیب و شناسایی متخصصین پوکر پرده برداشت . در آنجا Danon Robinson یکی از شرکای شرکت Toro Trading می گوید " اگر کسی در پوکر موفق باشد با احتمال بسیار بالایی در این حرفه نیز موفق می شود " .

"آرون براون" یکی از مدیران هج فاند ها می گوید "ترید در وال استریت مستلزم این است که شخص در زمینه مدیریت و روشهای مواجهه با ریسک به حد کمال رسیده باشد که رسیدن به این حد از مهارت بسیار سخت است مگر اینکه در دوره ای از زندگی خود قمار باز بوده باشید ."

از بخت خوب کمپانی های وال استریت ، اخیرا اقبال عمومی به سمت پوکر بسیار زیاد بوده است . گزارش ها حاکی از آن است که پوکر بازان ۱۸ تا ۴۹ ساله ۲۷ درصد افزایش پیدا کرده اند . لس آنجلس تایمز گزارش میدهد که در سال ۲۰۰۹ بیش از ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر لا اقل یک دست پوکر پولی به صورت آنلاین بازی کرده اند که نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۰۸ به میزان ۲۸ درصد افزایش داشته است و همچنین ۳ برابر تعداد کل بازیکنان سال ۲۰۰۵ بوده است . از دیدگاه وال استریت این افزایش اقبال عمومی به سمت پوکر امیدواری بیشتری برای پیدا کردن حرفه ای ها به وجود آورده است کسانی که بتوانند بر سر مبالغ بالاتری شرط بندی کنند و هنگام مواجهه با ضررهای بزرگ بتوانند عکس العمل بهتری نشان دهند .